

The Two-Way Relationship Between Loneliness and Attitudes Toward Childbearing: A Research based on Structural Equation Modeling

Mohsen Niazi¹

Elham Shafae Moghaddam²

Nahid Khodadi³

Today, preventing or relieving loneliness is one of the basic human needs. On the other hand, the emergence of certain needs motivates people to have children, because the child is considered as a factor that leads to a change in the social relations between their parents, which in turn reduces the feeling of loneliness. Accordingly, the main purpose of this study is to explain the two-way relationship between feelings of loneliness and attitudes toward childbearing. This study is a social survey and the statistical population of the study is all citizens living in Tehran. The sample size is estimated at 550 people based on the sample power software, and the respondents were randomly surveyed in each geographical area based on the demographic characteristics of the population of Tehran. The results of the present study indicate the inverse and significant relationship between loneliness and attitude towards childbearing. In other words, people feel less lonely and have a more positive attitude toward having children. Conversely, people with a positive attitude toward childbearing feel less lonely. This two-way relationship, in addition to being confirmed by Pearson correlation coefficient, was also confirmed in the structural equation model, and the output results of the structural equation return model indicate the interaction or reciprocal effect of the two variables.

Keywords: Attitude, Childbearing, Loneliness, Family

1. Corresponding Author: Full Professor, Department of Sociology, College of Humanities, Kashan University

Niazim@kashanu.ac.ir

2. Ph.D in Iranian Social Affairs, Kashan University E.shafaii@grad.kashanu.ac.ir

3. MA in Cultural Studies, Kashan University Nahid.khodadadii@yahoo.com

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال شانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰: ۹۰-۶۹

رابطه دوسویه احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری: پژوهشی مبتنی بر مدل معادلات ساختاری

الهام شفائی مقدم^۲

محسن نیازی^۱

ناهید خدادادی^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

چکیده

جلوگیری یا رهایی از احساس تنهایی، به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان مطرح می‌شود. پیدایش بعضی نیازها نیز، انگیزه فرزندآوری را در افراد ایجاد می‌کند و منجر به تغییر روابط اجتماعی والدین و به دنبال آن، کاهش احساس تنهایی می‌شود. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش، تبیین رابطه دوسویه احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری است. این پژوهش از نوع پیمایشی است و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه، توأم با مصاحبه گردآوری شده است. علاوه بر این، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه تعیین شده و با مد نظر قرار دادن شاخصه‌های جمعیت شناختی جامعه هدف و ویژگی‌های بافتی ساکنان پهنه جغرافیایی شهر تهران، ۵۵۰ تن به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاضر، بیانگر رابطه معکوس و معنادار میان متغیرهای احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری است. به عبارت دیگر، افرادی احساس تنهایی کمتری دارند که نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند و متقابلاً، افرادی که نگرش مثبتی به فرزندآوری دارند، احساس تنهایی کمتری می‌کنند. این رابطه دوسویه، علاوه بر تأیید به وسیله ضریب همبستگی پیرسون، در مدل معادله ساختاری نیز مورد تأیید قرار گرفت و خروجی مدل بازگشتی معادله ساختاری، بیانگر رابطه متقابل یا دوسویه متغیرهای بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: نگرش به فرزندآوری، احساس تنهایی، فرزندآوری، مدل بازگشتی معادلات ساختاری.

۱. نویسنده مسئول: استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Niazim@kashanu.ac.ir

E.shafaii@grad.kashanu.ac.ir

۲. دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Nahid.khodadadi@yahoo.com

مقدمه

در بسیاری از نقاط جهان با گسترش فرایندهای مدرنیته و نوگرایی، نوعی تغییر اساسی در نگرش افراد به موضوع ازدواج و فرزندآوری صورت گرفته است. در این ارتباط، رویکردهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی به هزینه‌ها و مزایای وجود فرزند در خانواده پرداخته و اهمیت آن‌ها را برای اهداف و رفتارهای فرزندآوری نشان می‌دهد.

در این زمینه، نظرات مبتنی بر انتخاب عقلانی و ساختاری با تأکید بر عوامل اقتصادی معتقدند تغییر در ساختارهای اقتصادی با تغییر در آگاهی و ایده‌ها از طریق تغییر در نهادهای سیاسی، مذهبی و اجتماعی صورت می‌گیرد. بر این اساس در تبیین رفتارهای مرتبط با فرزندآوری، باید به مجموع عوامل نهادی مؤثر بر شکل‌گیری رفتارهای باروری توجه شود (عباسی شوازی، ۱۳۹۲: ۱۹).

نظریه‌های هنجاری- فرهنگی با استناد به ارتباط ضعیف میان ساختار اقتصادی و باروری بر این باورند که عوامل فرهنگی - و نه ساختاری - نحوه نگرش افراد به فرزندآوری را تغییر می‌دهد (کاوه فیروز و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۳). در این میان، رویکردهای جامعه‌شناختی بر انگیزه‌ها و سلیقه‌های فردی به عنوان عامل مهم‌تری در تبیین رفتارهای باروری تأکید می‌کنند، زیرا در این دیدگاه، فرزندآوری صرفاً یک پدیده فیزیکی نیست و ذهنیت و تفکرات فردی در آن نقش مهمی ایفا می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۱: ۵۵).

امروزه زنان و مردان، فرزندان را بیشتر برای لذات فردی به دنیا می‌آورند (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۵)، چرا که بچه‌ها بیش از هر چیز، ابژه‌ای برای مصرف عاطفی هستند؛ ابژه‌های مصرفی که در خدمت نیازها، امیال یا خواسته‌های مصرف‌کننده هستند.

والدین بچه‌ها را برای شادی‌های حاصل از لذات خود می‌خواهند. انواعی از شادی که هیچ مورد مصرفی دیگری قادر به ایجاد آن‌ها نیست (باومن، ۱۳۸۴: ۷۸). در این راستا، نظریه ارزش فرزندان، همه انگیزه‌های مثبت و منفی را در تصمیم‌گیری مرتبط با فرزندآوری در نظر می‌گیرد (فاوکت، ۱۹۷۸: ۲۱۵).

این نظریه با تأکید ویژه بر ارزش‌ها، یعنی فوایدی که افراد تمایل دارند از کودک دریافت کنند، نه تنها سهم قابل توجهی به درک فرایندهای فرزندآوری دارد، بلکه توضیحاتی ارائه می‌دهد

در مورد اینکه چرا مردم در جوامع مدرن هنوز خواهان فرزندند (ناک^۱، ۲۰۰۷؛ هافمن^۲، ۱۹۷۹: ۴۸).

در این نظریه، جنبه اصلی ارزش‌های تأمین شده توسط کودکان، حاصل روابط بین فردی هستند. والدین به دلیل روابط مستقیم با فرزندانشان، از شادی، رضایت، پشتیبانی و امنیت در همه دوران زندگی - به ویژه دوره سالمندی - برخوردار می‌شوند. علاوه بر این، کودکان روابط والدین خود را با بستگان یا سایر اعضای اجتماع تغییر می‌دهند؛ به گونه‌ای که آن‌ها وضعیت اجتماعی والدین خود را بهبود می‌بخشند یا دسترسی آن‌ها به منابع حمایتی را ساده‌تر می‌کنند (بوهرلر^۳، ۲۰۰۸: ۵۷۰). در این میان، احساس تنهایی مسأله دیگری است که انسان امروزی با آن مواجه است و رشد پرشتاب فناوری و فشرده‌گی و پیچیدگی‌های روابط بین فردی به این بحران دامن زده است.

در واقع، احساس تنهایی نوعی هیجان منفی است که از تعارضات ارتباطی یا فقدان روابط بین فردی ناشی می‌شود و در نتیجه آن، افراد احساس عدم صمیمیت با دیگران می‌کنند (ساکلفسکی^۴ یا کلی^۵، ۱۹۸۶: ۸۹۹). به بیان دیگر، احساس تنهایی تجربه ذهنی منفی است که ناشی از خارج شدن روابط اجتماعی بین اشخاص از چارچوب تماس‌های انسانی مبتنی بر نیاز به امنیت روان-شناختی است (کلانتری و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۰).

در این ارتباط، مازلو^۶ معتقد است تعدادی نیاز وجود دارد که رفتار هر فرد را فعال کرده و نگرش و انگیزه آن‌ها را هدایت می‌کند. جلوگیری یا رهایی از احساس تنهایی، یکی از این نیازهای اساسی انسان است (کاوه فیروز، زارع، جهانبخش گنجه، ۱۳۹۶: ۱۳۱). از سوی دیگر، پیدایش بعضی نیازها، انگیزه فرزندآوری را در افراد ایجاد می‌کند، چرا که فرزند عاملی است که منجر به تغییر روابط اجتماعی والدین خود و به دنبال آن، تسهیل برخورداری آن‌ها از حمایت اجتماعی و کاهش احساس تنهایی می‌شود. بنابراین، رهایی از احساس تنهایی و نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری، در رابطه‌ای دوسویه قرار می‌گیرند.

-
1. Nauck , B.
 2. Hoffman, A.
 3. Boher,P.
 4. Saklofske , D. H.
 5. Yackulic, R. A.
 6. mazelo,A.

شایان ذکر است هدف اساسی این مطالعه، تبیین رابطه دوسویه احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری میان شهروندان مناطق مختلف تهران می‌باشد.

نگرش‌ها به افراد کمک می‌کنند تا دیدگاه مشخصی از جهانی که در آن قرار گرفته‌اند ارائه کنند و فرد، گروه و جامعه می‌دانند کجا هستند و چه می‌کنند (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۳). نگرش‌ها از عوامل درونی و شخصیتی مانند: باورها و تمایلات فردی سرچشمه می‌گیرند (چالمین^۱، ۲۰۰۳: ۲۶۰) و گاهی از عوامل بیرونی مانند: درآمد، تأثیرگذاران خارجی و عوامل اقتصادی متأثر می‌شوند (سالومن^۲، ۲۰۰۰: ۱۲۷).

در واقع نگرش یک فرد، بیانگر شیوه تفکر، احساس و واکنش‌هایی است که نسبت به محیط اطراف خود [نگرش یک فرد بیانگر شیوه تفکر، احساس و واکنش‌هایی است که نسبت به امور مختلف، از جمله فرزندآوری دارد] دارد (صنایعی و شافعی، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

بر این اساس، نگرش یکی از مهم‌ترین عواملی است که در خصوص فرزندآوری نقش مؤثری ایفا می‌کند. نگرش به فرزندآوری موضوعی است که می‌تواند به واسطه سبک زندگی افراد و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، تحت تأثیر قرار گرفته باشد. در این رابطه، هاگستد و کال^۳ (۲۰۰۷) معتقدند پدیده فرزندآوری علاوه بر عوامل درونی و فردی، متأثر از موانع بیرونی مختلف، از جمله: مسائل مالی، شغلی و تغییر در نگرش‌ها و اولویت‌های زندگی افراد است (باعزت و دیگران ۱۳۹۶: ۳۸).

علاوه بر این، نگرش به فرزندآوری مفهومی است که می‌تواند تحت تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تغییر کند (هاشمی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۵). در این ارتباط، نظریه‌های متعددی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی به این موضوع پرداخته‌اند.

بر اساس تئوری‌های اقتصادی باروری، فرزندان نوع خاصی از کالا تلقی می‌شوند که دارای هزینه‌های خاص برای تولید یا نگهداری و همچنین، سود و فایده خاص هستند. بکر^۴ از نظریه پردازان این نظریه بر این باور است که تحت شرایطی از نوسازی، هزینه‌های خالص داشتن

-
1. Chulmin ,K.
 2. Solomon ,K.
 3. Hagested ,A & Call,S.
 4. Becker, CH.

فرزند افزایش می‌یابد. بر این اساس درآمد، تعیین‌کننده تعداد فرزندان خانواده خواهد بود؛ به گونه‌ای که انتظار می‌رود خانواده‌های متمول صاحب فرزند بیشتری باشند (جهانگیری ۱۳۹۳: ۸۸). نظریه ارزش کودکان نیز با تأکید بر تأمین نیازهای والدین توسط کودکان، باروری را به عنوان نتیجه تصمیم‌گیری هدفمند مورد توجه قرار می‌دهد (بولاتائو^۱ و آرنولد، ۱۹۷۷: ۱۰۵؛ هافمن، ۱۹۷۳: ۸۷). گرچه این نظریه ریشه در روان‌شناسی دارد، اما شامل طیف گسترده‌ای از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. بر همین اساس، این یک دیدگاه یکپارچه در مورد عوامل تعیین‌کننده انگیزه فرزندآوری، با در نظر گرفتن عاملیت کنشگر فردی و ساختارهای اجتماعی است (ناک، ۲۰۰۵؛ هافمن، ۱۹۷۳: ۳۲۴).

بر اساس این نظریه، کودکان طیف گسترده‌ای از نیازهای روانی و اقتصادی والدین خود را برآورده می‌کنند (هافمن، ۱۹۷۳). حضور فرزندان در خانواده، موجب تقویت جایگاه و هویت اجتماعی والدین شده و بیانگر تحقق احکام اخلاقی فرهنگی است. وجود فرزند، روابط درون خانواده را تقویت کرده، به والدین فرصت تغییر و تجربیات جدید می‌دهد و حیثیت و مقام والدین را بالا می‌برد (بوهرلر، ۲۰۰۸: ۵۷۱).

بوهرلر (۲۰۰۸) با ارائه این نظریه بیان می‌دارد که ازدواج منجر به تغییر در شبکه ارتباطات زوجین می‌شود. در واقع این کار نه تنها زن و شوهر را به شبکه ارتباطی یکدیگر وارد می‌کند، بلکه باعث گسترش شبکه ارتباطی آنان با اعضای خانواده و دوستان می‌شود. چنین موقعیتی با تولد فرزند نیز رخ می‌دهد. کودک به عضوی از شبکه‌های جدید و بسیار مهم تبدیل می‌شود و روابط شخصی والدین و محیط‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد.

در واقع، فرزند در عین حال که روابط شخصی والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، روابط آنها را با خویشاوندان، دوستان و سایر افراد جامعه نیز دستخوش تغییر می‌کند. گذشته از این، کودک محافل اجتماعی والدین خود را اصلاح می‌کند؛ به طوری که والدین پس از تولد فرزند خود، در پارک‌ها، مهدکودک‌ها یا مدارس با افرادی تعامل پیدا می‌کنند که احتمالاً در غیر این حالت، آنها را ملاقات نمی‌کردند.

والدین در راستای تربیت، آموزش و تغذیه کودک، مقادیر زیادی از وقت، پول، انرژی و منابع ذهنی را در انتظار دریافت عشق، محبت، سرگرمی، رضایت و پشتیبانی در دوران سالمندی

صرف می‌کنند (هالشتاین و بریا^۱، لی ویلیس^۲، ۱۹۹۷؛ کاکس^۳). گرچه بعضی ارزش‌های ذاتی - مانند: سرگرمی، لذت و رضایت - در درجه اول توسط خود والدین تأمین می‌شوند، اما باید دانست که آن‌ها بدون قرار گرفتن در تعامل و تبادل با کودک به وجود نمی‌آیند.

علاوه بر این، به واسطه روابط نزدیک و عاطفی والدین و فرزندان، والدین درگیر فرایندهای مبادله‌ای هستند که در روابط دیگر تجربه نمی‌کنند (بوهرلر، ۲۰۰۸: ۵۷۳). ازدواج فرزندان نیز شبکه‌های ارتباطی والدین را تقویت می‌کند و فرصت‌های جدیدی را برای تبادل بین فردی با اعضای خانواده جدید (عروس یا داماد) و همچنین، دیگر اعضای جامعه ایجاد می‌کند (هایدی^۴، ۲۰۰۷؛ لوی استراوس^۵، ۱۹۹۳).

تحقیقاتی پیرامون ارزیابی افراد از کودکان به عنوان عاملی برای بهبود شبکه‌های اجتماعی آن‌ها، با استفاده از داده‌های کشور آمریکا انجام شده است (اسکوهن و همکاران، ۱۹۹۷: ۵۶). در این رابطه، نتایج تحقیقات محققانی چون: و مونتگومری کاسترلین^۶ ۱۹۹۶، کوهلر^۷ ۲۰۰۱، کاسترلین^۸ ۲۰۰۱، اسکوهن توفیس^۹، ۲۰۰۳؛ فیلیپو^{۱۰} ۲۰۰۶ و فراتزاک^{۱۱} ۲۰۰۷ نیز بیان شده که هر یک بیانگر این امر است که اهداف یا رفتارهای باروری تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار دارد. با توجه به این مسأله که درگیری افراد در شبکه‌های مختلف - اعم از خانوادگی و دوستی - موجب ایجاد منابع حمایتی می‌شود؛ حمایت‌هایی که فقدان یا تضعیف آن، باعث ایجاد حس تنهایی می‌شود (کلاتتری و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۹)، چرا که در احساس تنهایی، فقدان وابستگی شخص با اشخاص دیگر برجستگی دارد و در احساس تنهایی اجتماعی، فقدان تعامل در روابط و شبکه‌های اجتماعی مطرح است.

-
1. Hollstein, H and Bria , A.
 2. Lee, W.
 3. Cox , H.
 4. Heady ,L.
 5. Strauss ,L.
 6. Montgomery , C.
 7. Kohler,B.
 8. Casterline , W.
 9. Schoen Tufis,B.
 10. Philipov, B.
 11. Bühler ,F.

در واقع، احساس تنهایی اجتماعی با نقص در شبکه ارتباطات اجتماعی یا تجربه عدم پذیرش همسالان مرتبط است. علاوه بر این، رویکرد تعاملی در تبیین احساس تنهایی به برهم کنشی منش و شخصیت افراد و عوامل فرهنگی و موقعیتی اشاره دارد.

در این دیدگاه، افراد به صورت ذهنی احساس تنهایی اجتماعی و خانوادگی خود را از نظر کیفی و کمی مورد ارزیابی قرار می‌دهند، چرا که نقص در دلبستگی به افراد مهم و نبود شبکه ارتباطی مناسب، منجر به احساس تنهایی می‌شود (رستمی، ۱۳۹۲: ۳۵ و ۳۶).

بدین ترتیب می‌توان گفت در ارتباطی دوسویه، از یکسو، فرار از احساس تنهایی به عنوان نیاز درک شده در ارتباط با فرزندآوری موجب نگرش مثبت آنان نسبت به فرزندآوری می‌شود و از سوی دیگر، گسترش شبکه‌های ارتباطی والدین به واسطه حضور فرزندان، شبکه حمایتی قوی ایجاد می‌کند که نقطه مقابل احساس تنهایی تلقی می‌شود.

در واقع نگرش مثبت یا منفی درباره فرزندآوری، به صورت تصادفی شکل نمی‌گیرد، بلکه مبنای آن، رفع یا کاهش یکسری نیازهای درک شده از جمله رهایی از احساس تنهایی است و متقابلاً، به نگرش فرد درباره پیامدهای داشتن فرزند (گسترش شبکه‌های ارتباطی و جلوگیری از احساس تنهایی) و هنجارهای درک شده آن‌ها در این باره بستگی دارد (کبودی، ۱۳۹۲: ۵۱۲).

بدین سان، افرادی که نگرش مثبتی نسبت به فرزندآوری دارند، کمتر احساس تنهایی می‌کنند؛ چرا که آن‌ها متقاعد شده‌اند که فرزندآوری بر کاهش احساس تنهایی مؤثر است.

در مجموع، این واقعیت که با عنوان «ارزش ساختاری کودک‌کان» مورد بررسی قرار گرفت، با توجه به استدلال‌های مطرح شده، با جنبه‌های مهم تأمین مزایای مربوط به کودک بر تغییرات در شبکه‌های شخصی والدین و روابط مبادله‌ای که از بدو تولد کودک ایجاد می‌شود، وابسته است.

بر اساس این نظریه، کودک‌کان طیف گسترده‌ای از نیازهای روانی و اقتصادی والدین خود را برآورده می‌کنند (هافمن، ۱۹۷۳: ۲۳). در این میان، احساس تنهایی را می‌توان حاصل محروم ماندن بشر از نیاز اساسی به ارتباطات اجتماعی و صمیمیت دانست (سولیوان^۱، ۱۹۵۳: ۷۸).

با این وجود، جای سؤال دارد که این ملاحظات تا چه اندازه و چگونه در جوامع مختلف، بخصوص جوامعی چون کلان‌شهر تهران اعمال می‌شود؟ در کلانشهرهایی مانند تهران، ورود فرهنگ مدرن و بستر چالش مدرنیته با سنت از تحولات ناشی از مدرنیته تأثیر پذیرفته و آن‌ها را

باز تولید کرده است. اما با علم به اینکه اصول مدرنیته در شهر تهران همه مناطق و پهنه‌های جغرافیایی این شهر را به طور یکسان تحت تأثیر قرار نداده است و مناطق ۲۲ گانه تهران از نظر دستیابی به شاخص‌های اجتماعی مدرنیته در سه پهنه مدرن، در حال گذر و سنتی قرار دارد (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲)، در این پژوهش ضمن بررسی تفاوت میزان احساس تنهایی و نوع نگرش به فرزندآوری بر مبنای پهنه‌های جغرافیایی فوق، به تبیین رابطه دیالکتیکی احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری در میان شهروندان تهرانی پرداخته شد.

مروری بر تحقیقات صورت گرفته بیانگر این امر است که هیچ تحقیقی به طور مستقیم به بررسی رابطه احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری نپرداخته است. اکثر تحقیقات ایرانی مربوط به فرزندآوری به عوامل مؤثر بر نگرش منفی به فرزندآوری و دلایل کاهش باروری پرداخته‌اند. بنابراین با توجه به کاهش جمعیت در ایران، فرزندآوری علاوه بر افزایش جمعیت جوان کشور، می‌تواند سلامت اجتماعی و روانی والدین را مهیا کند.

بوهلر (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان «ارزش ساختاری کودکان و دلالت آن بر باروری هدفمند در بلغارستان» نشان داد خانواده‌ها با ارزشی که برای کودکان به عنوان بهبود دهنده و تقویت کننده شبکه‌های اجتماعی والدین قائل هستند، اقدام به فرزندآوری می‌کنند.

هافمن (۱۹۷۳) نیز در تحقیقی درباره خانواده‌های دارای فرزند نتیجه گرفت که فرزند بر فرآیند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری والدین تأثیر می‌گذارد. همچنین کودکان با حضور خود، وضعیت بزرگسالان، بخصوص زنان را تأیید نموده و به آن‌ها هویت اجتماعی می‌بخشند. کودکان از طریق فعالیت‌های خود در مدرسه و مراکز تفریحات سالم و محیط همسایگی، والدین خود را با جامعه پیوند می‌دهند، به آن‌ها اعتبار بخشیده و آن‌ها را از تنهایی نجات می‌دهند. علاوه بر این، به زندگی خانوادگی نشاط و سرور بخشیده و آن را لذت بخش می‌کنند.

با توجه به اصول اجتماعی شدن نیز می‌توان گفت که والدین در فرایند تربیت فرزندانشان، شایستگی و صلاحیت‌هایی کسب کرده و رشد می‌کنند و حتی این اصول اجتماعی شدن، آنان را به مرز خودکفایی می‌رساند.

لهرر^۱ (۱۹۹۶) نیز در پژوهش خود به این امر اشاره می‌کند که داشتن فرزند در خانواده‌های ساکن در جوامع صنعتی و توسعه‌یافته، هزینه‌های زیادی دربر دارد. فرزندآوری برای آن‌ها،

1. Lehrer, M.

انگیزه‌ی بهتر، گسترش ابعاد وجودی، مقابله با عدم قطعیت، خلاقیت و میل به کمال، فرصتی برای هدایت، آموزش و اعمال کنترل ایجاد می‌کند.

کلاس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) نیز با مطالعه فرزندآوری در فلسطین و ترکیه نشان دادند که در هر دو کشور، فرزندان برای تأمین نیازهای عاطفی و لذت زندگی اهمیت دارند. ساکو^۲ و کلاس (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود، فرزندآوری را تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط، از جمله: شرایط نهادی خاص، ساختارهای فرصت، شبکه اجتماعی و خویشاوندی و ویژگی‌های فردی والدین دانسته‌اند.

در نتایج تحقیق کلین واکهارد^۳ (۲۰۰۷) نیز درک ارزش غیرمادی فرزندان، عامل اساسی برای فرزندآوری است. در واقع، ارزش روانی والد شدن، تصمیم‌گیری برای تشکیل خانواده را ایجاد می‌کند. نتایج پژوهش دیبر^۴ (۲۰۰۷) در بررسی ارزش فرزندان در کشورهای آفریقایی نیز حاکی از آن است که از فرزندآوری موجب شادی آفرینی و ایجاد رفاه والدین است.

حضور فرزندان برای حفظ قوام بخشیدن به ازدواج و روابط زوجی و ایجاد امنیت اجتماعی برای والدین در دوران پیری ضروری هستند. آن‌ها به عنوان نیروی کار و ایجاد موقعیت اجتماعی، حفظ اصل و نسب و نام، وارث ثروت، تأمین نیازهای عاطفی و احساسی و کاهش اضطراب و احساس پوچی در نظر گرفته می‌شوند.

در پژوهش مایر و ترامسدورف^۵ (۲۰۱۰) نیز ارزش روانی و عاطفی فرزند به عنوان مهم‌ترین بُعد ارزشی بیان شده است (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۵). نتایج تحقیق هاشمی‌نیا، رجبی و یاراحمدی (۱۳۹۶) با عنوان «نگرش زنان به ارزش فرزندان در شهر شیراز» بیانگر این است که در جامعه مدرن امروزی، تغییر مؤلفه‌های ارزش فرزندان از مفهوم سنتی آن وجود دارد و زنان، فرزندان را کالایی اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌پندارند که داشتن آن احساس مطلوبیت برای فرد ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که والدین حاضرند با وجود کاهش منافع عینی و کارکردی، داشتن فرزند را تجربه کنند.

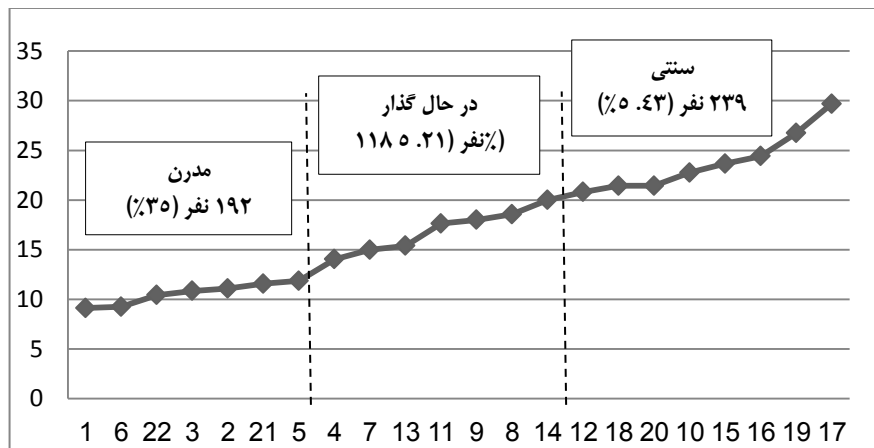
-
1. Klaus ,S.
 2. Suckow ,L.
 3. Klein,W.
 4. Dyer ,M.
 5. Trommsdorff , M.

علاوه بر این نتایج تحقیق شاهنوشی و سامی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد ارزش فرزندان در خانوارهای روستایی و شهری یکسان نبوده و متغیرهای ارزش اقتصادی-امنیتی و مالی فرزند، کسب هویت از فرزند و پیوستگی و تداوم خانواده در تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستایی مؤثر است.

نتایج پژوهش قربانی (۱۳۸۸) نیز بیانگر این امر است که دلایل فرزندخواهی، بیشتر با ذوق و احساسات زوجین در ارتباط بوده و در این میان، مهم‌ترین دلایل خواستن فرزند، عشق و علاقه به فرزند و افتخار در آینده است. داشتن فرزند می‌تواند علاوه بر افزایش امیدواری برای والدین، زندگی را برای آنها معنادار کند و باعث کاهش احساس تنهایی والدین شود، چرا که زندگی با وجود فرزندان گرم می‌شود. بر همین اساس در پژوهش حاضر، ارتباط مستقیمی میان احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری وجود دارد.

روش پژوهش

این مطالعه از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن، شامل شهروندان تهرانی است. حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار سمبل پاور^۱ ۵۵۰ تن برآورد گردیده است. با توجه به گستردگی یا پراکندگی شهر تهران بر اساس شاخص‌های اجتماعی-جمعیتی که گویای تفاوت در انطباق‌پذیری مناطق با اصول مدرنیته است، سه پهنه مدرن واقع در شمال و غرب تهران، در حال گذر در مرکز و شرق و پهنه سنتی واقع در جنوب تهران شناسایی گردید و داده‌های پژوهش به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای میان شهروندان تهرانی ساکن در پهنه‌های جغرافیایی فوق به شرح ذیل جمع‌آوری شد.



نمودار ۱. پراکنندگی مناطق ۲۲ گانه تهران

در این مطالعه جهت سنجش میزان احساس تنهایی از فرم کوتاه شده سلسا^۱ (دی تاماسو، برانن و بست^۲، ۲۰۰۴) استفاده شده است. این مقیاس بر اساس نظریه ویس^۳ (۱۹۷۳) طراحی شده و به همین لحاظ دو نوع احساس تنهایی خانوادگی و اجتماعی را مورد سنجش قرار می دهد (نقل از جوکار و سلیمی، ۱۳۹۰: ۴۲).

نگرش شهروندان نسبت به فرزندآوری با نگرش به فرزندآوری نیز با استفاده از پرسشنامه ساخته شده توسط تورنجی پور (۱۳۹۳) مورد سنجش قرار گرفت. این پرسشنامه از ۱۱ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده نموده است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برابر هر دو مقیاس احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری، به ترتیب با ۰/۷۰۱ و $\alpha=0/884$ حاکی از همسانی درونی بالای مقیاس ها است.

یافته ها

بر اساس یافته های پژوهش، ۵۲ درصد از گروه نمونه را مردان و ۴۸ درصد را زنان تشکیل داده اند. سطح تحصیلات ۱۹/۹ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۵/۳ درصد فوق دیپلم، ۴۴/۴ درصد لیسانس و ۳۰/۳ درصد فوق لیسانس و دکتری می باشند. همچنین، ۷۶/۷ درصد از پاسخگویان شاغل و ۲۳/۳ درصد غیر شاغل بوده اند.

1. SELSA-S.
2. DiTommaso, Brannen & Best.
3. Weiss.

متغیرهای پژوهش

در جدول زیر توزیع پراکندگی متغیرهای میزان احساس تنهایی (خانوادگی و اجتماعی) و نگرش به فرزندآوری ارائه گردیده است.

جدول ۱. توزیع پراکندگی پژوهش

شاخص مفهوم	حداقل	حداکثر	دامنه تغییر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی
نگرش به فرزندآوری	۱۱	۵۴	۴۳	۳۲/۸۹	۶/۰۸	-۰/۴۳۲
احساس تنهایی خانوادگی	۶	۳۰	۲۴	۱۵/۱۱	۴/۸۳	۰/۲۲۴
احساس تنهایی اجتماعی	۵	۲۴	۱۹	۱۱/۷۸	۴/۱۵	۰/۰۷۲
احساس تنهایی	۱۱	۵۴	۴۳	۲۶/۸۷	۸/۱۷	۰/۱۱۰

مطابق یافته‌ها، میانگین نمرات افراد گروه نمونه در متغیر نگرش به فرزندآوری ۳۲/۸۹ با انحراف استاندارد ۶/۰۸ است. همچنین، میانگین نمرات افراد در متغیر احساس تنهایی خانوادگی و اجتماعی به ترتیب $۱۵/۱۱ \pm ۴/۸$ و $۱۱/۷۸ \pm ۱/۴$ است. در مجموع، میانگین احساس تنهایی شهروندان $۲۶/۸۷ \pm ۸/۱$ در بازه (۱۱ تا ۵۴) بوده است.

مثبت بودن مقدار چولگی در متغیر احساس تنهایی و ابعاد آن نشان‌دهنده آن است که میزان احساس تنهایی در میان شهروندان تهرانی در حد متوسط به پایین می‌باشد. همچنین، منفی بودن مقدار نگرش به فرزندآوری بیانگر آن است که نگرش شهروندان تهرانی نسبت به فرزندآوری متمایل به مثبت می‌باشد.

در این بخش جهت آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه دیاکتیکی بین احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری از ضریب همبستگی پیرسون در قالب ماتریس زیر استفاده شده است.^۱

۱. ضریب همبستگی پیرسون یک ضریب مقارن است، یعنی در هنگام اجرا یا آزمون تفاوتی نمی‌کند کدام یک از متغیرها را مستقل و کدام یک را وابسته فرض کنیم. به عبارتی، جابه‌جایی متغیرهای مستقل و وابسته با یکدیگر، تأثیری بر میزان رابطه ندارد. به عنوان مثال، در همبستگی گشتاور پیرسون $IYX=IXY$ (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۲).

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری

نگرش به فرزندآوری	تنهایی خانوادگی	تنهایی اجتماعی	احساس تنهایی	
-۰/۲۸۹**	۰/۹۳۲**	۰/۹۰۶**	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱		سطح معناداری
-۰/۲۴۱**	۰/۶۹۰**	۱	۰/۹۰۶**	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱	۰/۰۱		۰/۰۱	سطح معناداری
-۰/۲۹۷**	۱	۰/۶۹۰*	۰/۹۳۲**	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱		۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معناداری
۱	-۰/۲۹۷**	-۰/۲۴۱**	-۰/۲۸۹**	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معناداری

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (۲ دم)

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان همبستگی میان احساس تنهایی و ابعاد آن با نگرش شهروندان به فرزندآوری با مقدار ($I = -0/28$ و $sig = 0/01$) معکوس و معنادار است؛ یعنی افرادی که نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند، احساس تنهایی کمتری می‌کنند و متقابلاً، افرادی که نگرش مثبتی به فرزندآوری دارند، احساس تنهایی کمتری می‌کنند. در این میان، شدت همبستگی احساس تنهایی خانوادگی و نگرش به فرزندآوری، بیشتر از شدت همبستگی احساس تنهایی اجتماعی و نگرش به فرزندآوری است ($I = -0/29$ در مقابل $I = -0/24$).

با توجه به اینکه مبنای نمونه‌گیری پژوهش حاضر سه پهنه جغرافیایی جدید، در حال گذر و سنتی شهر تهران بوده است و این متغیر می‌تواند بر میزان احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری مؤثر باشد، لازم است متغیر پهنه‌های جغرافیایی را به عنوان متغیر کنترل در رابطه بین این دو متغیر در نظر گرفت تا با انجام همبستگی تفکیکی / جزئی و حذف تأثیر متغیر کنترل، رابطه خالص و مستقل میان دو متغیر اولیه را مورد بررسی قرار داد. بر این اساس نتایج شاخص گامای تفکیکی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی گامای تفکیکی رابطه میان احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری با در نظر گرفتن متغیر کنترل پهنه جغرافیایی

تعداد	سطح معناداری	مقدار ضریب گاما	پهنه جغرافیایی
۱۸۶	۰/۰۰۳	-۰/۱۷۴	پهنه مدرن
۱۱۵	۰/۰۱	-۰/۴۳۸	پهنه در حال گذر
۲۳۱	۰/۰۱	-۰/۲۲۵	پهنه سنتی
کل	۰/۰۱	-۰/۲۶۱	همبستگی بدون متغیر کنترل
	۰/۰۱	-۰/۲۳۵	همبستگی تفکیکی با متغیر کنترل

یافته‌های جدول فوق بیانگر رابطه بین احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری است. بر اساس نتایج گامای تفکیکی، شدت همبستگی دو متغیر در پهنه در حال گذر بیشتر از دو پهنه جغرافیایی دیگر است، اما در مجموع، سطح معناداری $\alpha=0.01$ (sig) در همبستگی بدون متغیر کنترل و همچنین، همبستگی تفکیکی با حضور متغیر کنترل پهنه جغرافیایی بیانگر رابطه بین احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری می‌باشد، چرا که علی‌رغم وجود متغیر، کنترل همبستگی به دست آمده همچنان معنادار است.

معادله ساختاری رابطه دوسویه متغیرها

در این بخش، با توجه به مباحث نظری مبنی بر رابطه دوطرفه احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری، به بررسی این رابطه دوطرفه - یا به زبان مدل سازی معادله ساختاری رابطه بازگشتی^۱ - پرداخته شده است.

همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده میان همه متغیرهای پژوهش معنادار می‌باشد.

جدول ۴. مقادیر برآورد استاندارد بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	Estimate	S. E	C. R	P	
احساس تنهایی <---	میزان استفاده از تلگرام	-۰/۳۶۶	۰/۱۸۵	-۱/۹۷۸	۰/۰۴۸
نگرش به فرزندآوری <---	سلامت اجتماعی	۰/۰۷۷	۰/۰۳۷	۲/۱۰۳	۰/۰۳۵
احساس تنهایی <---	نگرش به فرزندآوری	-۱/۰۸۹	۰/۳۰۸	-۳/۵۳۴	***
نگرش به فرزندآوری <---	احساس تنهایی	-۰/۲۶۵	۰/۲۲۱	-۱/۱۹۸	۰/۰۲۳

تأکید اصلی در مدل مفهومی فوق، توجه به تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری بر یکدیگر است که نتایج خروجی مدل بازگشتی در جدول زیر بیانگر اثر متقابل یا دوسویه^۱ دو متغیر می‌باشد.

جدول ۵. تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم کل متغیرها بر یکدیگر

اثرات	متغیرها	میزان استفاده از تلگرام	سلامت اجتماعی	نگرش به فرزندآوری	احساس تنهایی
رابطه	نگرش به فرزندآوری	۰/۰۸۳	۰/۲۰۷	-۰/۴۰۶	-۰/۴۹۹
	احساس تنهایی	-۰/۱۶۸	-۰/۱۶۸	-۱/۱۴۳	۰/۴۰۶
مستقیم	نگرش به فرزندآوری	۰/۰۰۰	۰/۱۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۵
	احساس تنهایی	-۰/۱۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۸۱۳	۰/۰۰۰
غیرمستقیم	نگرش به فرزندآوری	۰/۰۸۳	۰/۰۶۰	۰/۴۰۶	-۰/۱۴۴
	احساس تنهایی	-۰/۰۶۸	-۰/۱۶۸	-۰/۳۳۰	۰/۴۰۶

همان‌طور که کاپلان، هریک و هاچیکس^۲ (۲۰۰۱) تأکید کرده‌اند با توجه به اینکه طرح‌های مقطعی تنها یک تصویر منفرد از فرآیند پویای در حال حرکت هستند، برآورد اثرات دوسویه با داده‌های مقطعی نیازمند برقرار بودن مفروضه تعادل^۳ یا شاخص ثبات^۴ است. این مفروضه به معنای آن است که برآورد پارامترهای اثرگذاری دوسویه متغیرها وابسته به زمان خاص گردآوری داده‌ها نیست (نقل از قاسمی، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

شاخص ثبات در رابطه با مدل فوق برابر با ۰,۲۸۹ می‌باشد. کمتر از ۱ بودن این شاخص، حاکی از شاهدی مثبت برای برقراری مفروضه تعادل است.

1. Reciprocal / Bidirectional.
 2. Kaplan, J, Harik & Hotchkiss, H.
 3. Assumption of Equilibrium .
 4. Stability Index.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه متقابل احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری صورت گرفت. احساس تنهایی، حالتی روان‌شناختی ناشی از نارسایی‌های کمی و کیفی در روابط اجتماعی است. این احساس در موقعیت‌هایی که روابط هیجان‌انگیز کمتر از میزان دلخواه فرد باشد یا صمیمیت مورد نیاز او تحقق نیابد، بروز می‌کند (رحیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

در واقع احساس تنهایی، تجربه‌ای منفی است که عدم وجود روابط اجتماعی مناسب را به فرد گوشزد می‌کند. در این میان خانواده و فقدان روابط خانوادگی، از جمله عواملی است که منجر به بروز احساس تنهایی می‌شود و متقابلاً این احساس، منشأیی خواهد بود برای آنکه فرد برای رهایی از آن به خانواده پناه برد.

بدین ترتیب، ارزش فرزند جلوه‌گر می‌شود و به کارکردهایی اشاره می‌کند که منجر به رفع نیازهای والدین می‌گردد. از نظر فاوست^۱ (۱۹۷۲) ارزش‌های خاص در نیازهای روان‌شناختی خاص قرار گرفته‌اند؛ نیازهایی که به ساختارهای اجتماعی متصل شده‌اند و با تنوعات فرهنگی و تغییرات اجتماعی مرتبط، تکمیل‌کننده بعضی جنبه‌های پدر و مادر شدن هستند.

با توجه به اینکه یکی از نیازهای اساسی انسان برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی و به تبع آن، رهایی از احساس تنهایی است، ارزش فرزندان را می‌توان بر مبنای ارزش ساختاری فرزندان بوهلر (۲۰۰۸) که در آن فرزند را بهبود دهنده شبکه اجتماعی والدین می‌داند، تبیین نمود. از یک دیدگاه، این نظریه تنها تصویری یک طرفه از پیامدهای مورد انتظار فرزند داشتن می‌دهد، چرا که صرفاً به مزایای ساختاری حاصل از فرزندآوری می‌پردازد.

با این حال، شواهد زیادی از ادبیات پژوهشی مبنی بر اینکه کودکان ممکن است شبکه‌های فردی را نیز خراب کنند، وجود دارد (بوهلر، ۲۰۰۸: ۵۷۵). در بسیاری موارد، مادران در مقایسه با پدران نسبت به فرزندان خود احساس مسئولیت بیشتری دارند و به تبع آن، روابط شخصی خود را با نیاز فرزندان نشان نزدیک‌تر می‌کنند.

این امر باعث کاهش تماس با دوستان و آشنایان می‌شود و در نتیجه، تعداد و شدت روابط با خویشاوندان و خانواده‌ها کاهش می‌یابد. علاوه بر این، اگر زنان برای مراقبت از فرزندان خود

مجبور به ترک شغل یا کاهش اشتغال شوند، در معرض خطر تضعیف یا از بین رفتن روابط شغلی خود در محل کار هستند.

با این حال، پدرانی که مسئول تأمین مخارج خانواده هستند، تمایل دارند زمان بیشتری را در اشتغال و روابط شغلی سرمایه گذاری کنند و این امر حتی ممکن است باعث ایجاد تنش میان والدین شود (بوهلر، ۲۰۰۸: ۵۷۵).

نتایج پژوهش حاضر، بیانگر رابطه معکوس و معنادار احساس تنهایی و نگرش به فرزندآوری است. در واقع، افرادی که نگرش مثبت تری به فرزندآوری دارند، احساس تنهایی کمتری می کنند و متقابلاً، افرادی که نگرش مثبتی به فرزندآوری دارند، احساس تنهایی کمتری می کنند. این رابطه دوسویه علاوه بر تأیید به وسیله ضریب همبستگی پیرسون، در مدل معادله ساختاری نیز مورد تأیید قرار گرفت و نتایج خروجی مدل بازگشتی معادله ساختاری، بیانگر اثر متقابل یا دوسویه^۱ دو متغیر فوق می باشد.

بر این اساس می توان چنین تبیین نمود که احساس تنهایی عاملی است که انسان جهت رهایی از آن - به ویژه در دوره سالمندی - به فرزند روی می آورد و به ارزش فرزند نگاه می کند. در نتیجه نگرش وی به فرزندآوری مثبت می شود. از سوی دیگر، نگرش به ارزشمند بودن فرزند، بیشتر در میان افرادی مشاهده شد که احساس تنهایی کمتری دارند، چرا که فرزند به عنوان واسطه-ای عمل می کند که شبکه اجتماعی والدین و ارتباطات و تعاملات اجتماعی آن ها را گسترش می دهد.

این یافته ها با نتایج تحقیقات برناردی و همکاران (۲۰۰۷)، بوهلر و فراتزاک (۲۰۰۷)، فیلیپو و همکاران (۲۰۰۶)، بوهلر و فیلیپو (۲۰۰۵)، بوهلر و کوهلر (۲۰۰۴)، برناردی (۲۰۰۳)، کاسترلین (۲۰۰۱)، کوهلر (۲۰۰۱)، کوهلر و همکاران (۲۰۰۱) و مونتگومی و کاسترلین (۱۹۹۶) مبنی بر اینکه اهداف یا رفتارهای باروری تحت تأثیر شبکه های اجتماعی قرار دارد، همسو است.

علاوه بر این، نتایج تحقیق بوهلر (۲۰۰۸) تأییدکننده رابطه دو متغیر فوق بوده است. در این تحقیق بیان شده خانواده هایی که کودکان را به عنوان بهبود دهنده و تقویت کننده شبکه های اجتماعی والدین می دانند، اقدام به فرزندآوری می کنند.

نتایج پژوهش هافمن (۱۹۷۳) نیز نشان می‌دهد کودکان از طریق فعالیت‌های خود در مدرسه و مراکز تفریحات سالم و محیط همسایگی، والدین خود را با جامعه پیوند می‌دهند، به آن‌ها اعتبار بخشیده و آن‌ها را از تنهایی نجات می‌دهند.

در مجموع، یافته‌های تحقیق حاضر در تأیید یافته‌های تحقیقات کلهر و همکاران (۱۹۹۶)، کلین و اکهارد (۲۰۰۷)، دبیر (۲۰۰۷)، مایر و ترامسدورف (۲۰۱۰)، هاشمی‌نیا (۱۳۹۶)، شاه‌نوشی و سامی (۱۳۸۸) و قربانی (۱۳۸۸) است؛ یافته‌هایی مبنی بر اینکه فرزندان برای تأمین نیازهای عاطفی و لذت بخشی اهمیت دارند و برای ارضای نیازهای عاطفی و احساسی و کاهش اضطراب و احساس تنهایی در نظر گرفته می‌شوند.

در واقع، این یافته‌ها نشان می‌دهد فرزندان را می‌توان اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی در نظر گرفت که داشتن آن احساس مطلوبی برای فرد ایجاد می‌کند. بر این اساس، نگرش نسبت به فرزندآوری به صورت تصادفی شکل نمی‌گیرد، بلکه مبنای آن، رفع یا کاهش یکسری نیازهای درک شده از جمله رهایی از احساس تنهایی است و متقابلاً، به نگرش فرد درباره پیامدهای داشتن فرزند (گسترش شبکه‌های ارتباطی و جلوگیری از احساس تنهایی) و هنجارهای درک شده آن‌ها در این باره بستگی دارد.

در واقع، افرادی که نگرش مثبت بیشتری نسبت به فرزندآوری دارند، کمتر احساس تنهایی می‌کنند، زیرا آن‌ها متقاعد شده‌اند فرزندآوری باعث کاهش نیاز درک شده آن‌ها در ارتباط با جلوگیری یا رهایی از احساس تنهایی است.

منابع

- باعزت، فرشته و دیگران. (۱۳۹۶). «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس نگرش به باروری و فرزندآوری». *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۴۷-۳۷.
- باومن، زیگموند. (۱۳۸۴). *عشق سیال*، ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۲). «پهنه‌بندی شهر تهران بر اساس شاخص‌های اجتماعی جمعیتی مدرنیته». *مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۱۸-۱.
- تورنجی‌پور، فاطمه. (۱۳۹۴). تبیین عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر نگرش به فرزندآوری شهروندان شهر کاشان در نیمسال اول ۱۳۹۴. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مطالعات فرهنگی*. دانشگاه کاشان.
- جوکار، بهرام و عظیمه سلیمی. (۱۳۹۰). «ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان». *مجله علوم رفتاری*، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۳۱۷-۳۱۱.

- جهانگیری، جهانگیر و دیگران (۱۳۹۳). «برساخت فهم زنان تک فرزند از چالش‌های فرزندآوری (مشارکت کنندگان: زنان تک فرزند شهر اهواز)». *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۰.
- حسینی، حاتم. (۱۳۸۱). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی و تنظیم خانواده*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- رجبی، ماهرخ و فاطمه هاشمی‌نیا. (۱۳۹۲). «ارزش کودکان و رفتار باروری در شهر شیراز». نامه انجمن جمعیت‌شناسی، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۲۳-۴۲.
- رحیم‌زاده، سوسن و دیگران (۱۳۹۰). «مبانی مفهومی حساس تنهایی: یک مطالعه کیفی». *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روانشناس ایرانی*، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۱۲۳-۱۴۱.
- رستمی، راحله. (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و احساس تنهایی: بررسی نقش واسطه‌ای هویت معنوی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- سرای، حسن. (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران». *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲، صص ۳۷-۶۰.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۹۸). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- شاهنوشی، مجتبی و اعظم سامی. (۱۳۸۸). «بررسی تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستایی شهرستان سمیرم». *نشریه جامعه‌شناسی*، شماره ۳، صص ۷۵-۹۶.
- صنایعی، علی و رضا شافعی. (۱۳۹۱). «ارائه مدلی برای تحلیل و پیش‌بینی رفتار خرید مشتری‌ها بر اساس تئوری کارکردی نگرش (مطالعه موردی صنعت خودرو ایران)». *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۶۲، صص ۱۹۲-۱۵۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۹۲). *تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر*. مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- قاسمی، وحید. (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، تهران: جامعه‌شناسان.
- قربانی، شیما. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر ارزش فرزندان در فرایند فرزندآوری، مورد مطالعه شهر جهرم. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- کاوه فیروز، زینب و دیگران. (۱۳۹۶). «تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران)». *مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۴۳.
- کبودی، مرضیه و دیگران (۱۳۹۲). «الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری: یک مطالعه کیفی». *فصلنامه پایش*، شماره ۵، صص ۵۰۵-۵۱۵.
- کلاتری، عبدالحسین و سید سعید حسینی‌زاده آرانی. (۱۳۹۴). «شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی». *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۶.

هاشمی‌نیا، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۶). «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز)». *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۸، شماره ۳، صص ۶۱-۷۸.

- Arnold, Fred, Bulatao, Rodolfo A. , Buripakdi, Chhalio, Chung, Betty Jamie, Fawcett, James T. , Iritami, Toshio, Lee, Sung Jin, and Wu, Tsong-Shien (1975). *The Value of Children. A Cross-National Study*. Volume One: Introduction and Comparative Analysis. Honolulu: East-West Center, East-West Population Institute.
- Bernardi, Laura (2003). **Channels of Social Influence on Reproduction**. . *Population Research and Policy Review*, 22: 527-555.
- Bernardi, Laura, Keim, Sylvia. and von der Lippe. Holger (2007). . Social Influences on Fertility: A Comparative Mixed Methods Study in Eastern and Western Germany. **Journal of Mixed Methods Research**. 1: 23-47.
- Bühler, C. (2008). **On the Structural Value of Children & Its Implication on Intended Fertility in Bulgaria**. *Demographic Research*. 18(20), 569-610.
- Bühler, Christoph and Fraczak, Ewa (2007). **Learning from Others and Receiving Support: The Impact of Personal Networks on Fertility Intentions in Poland**. *European Societies* 9: 359-382.
- Bühler, Christoph and Philipov, Dimiter (2005). "Social Capital Related to Fertility: Theoretical Foundation and Empirical Evidence from Bulgaria. **Vienna Yearbook of Population Research**. 2005: 53-81.
- Bühler, Cristoph and Kohler, Hans-Peter (2004). Der Einfluss starker Beziehungen auf die Nutzung moderner Kontrazeptiva. **Zeitschrift für Soziologie**. 33, 1: 5-25.
- Bulatao, Rodolfo A. and Arnold, Fred (1977). Relationships between the Value and Cost of Children and Fertility: Cross Cultural Evidence. Reprint No. 92, East- West Center, East-West **Population Institute, Honolulu**.
- Casterline, John B. (2001). Diffusion Processes and Fertility Transition: Introduction. In: Casterline, John B. (ed.) *Diffusion Processes and Fertility Transition. Selected Perspectives*. **National Research Council, Division of Behavioral and Social Sciences and Education**. Committee on Population. Washington, D. C. : National Academy Press: 1-38.
- Chulmin, K. , Soungie, K. , Subin, I. , Changhoon, S. (2003) . **The Effect of Attitude and Perception on Consumer Complaint Intentions**. *Journal of Consumer Marketing*, vol. 20, pp. 352-371.
- Cox, Donald (1987). **Motives for Private Income Transfers**. *Journal of Political Economy*. 95: 508-546
- DiTommaso E, Brannen, C, Best LA (2004). **Measurement and validity characteristics of the short version of the social and emotional loneliness scale for adults**. *Educ Psychol Meas*;64(1):99-119.
- Dyer, S. J. (2007). The Value of Children in African Countries-Insight from Studies on Infertility. **Journal of Psychosomatic Obstetrics and Gynecology**. 28 (2): 69-77.
- Fawcett. J. T. (1972) **The Satisfactions and Costs of Children: Theories. Concepts. Methods**. Hawaii. East-West Center.
- Fawcett. James T. (1978). **The Value and Cost of Children: Converging Theory and Research**. Reprint No. 108, East-West Center, East-West Population Institute, Honolulu.
- Hafman, L. (1973). The value of children to Parents NEW York: **Basic Books**, P: 19-76.
- Hagestad GO. Call. VRA. (2007). **Pathways to Childlessness**. *J Fam Issues* 2007; 28(10): 1338-61.
- Heady. Patrick (2007) . **Fertility as a Process of Social Exchange**. *Demographic Research, Special Collection*, 5: S465-S496.
- Hoffman. Lois Wladis (1987). The Value of Children to Parents and Childbearing Patterns. **Social Behaviour**, 2: 123-141.

- Hoffman, Lois Wladis and Hoffman, Martin L. (1973). **The Value of Children to Parents.** In: **Fawcett, James T.** (ed.) *Psychological Perspectives on Population.* New York: Basic Books: 19-76.
- Hoffman, Lois Wladis and Manis, Jean Denby (1979). **The Value of Children in the United States: A New Approach to the Study of Fertility.** *Journal of Marriage and the Family*, 41, 3: 583-596.
- Hollstein, Betina and Bria, Gina (1998). **Reziprozität in Eltern-Kind-Beziehungen? Theoretische berlegungen und empirische Evidenz.** *Berliner Journal für Soziologie*, 8: 7-22.
- Kaplan, D. Harik, P. & Hotchkiss. L. (2001). **Cross-sectional estimation of dynamic structural equation models in disequilibrium.** In **R. Cudek, S. Du Toit.** & D. Sorbom (Eds.), *Structural equation modeling, present and future: a festschrift in honor of Karl Jöreskog* (pp. 315–340). Lincolnwood, IL: Software International.
- Klaus. D. , Suckow. J. Nauck. B. (2007) **The Value of Childern in Palestine and Turkey: Differences and the Consequences for Fertility,** *Current Sociology*, 55(4): 527-544.
- Klein. T. Eckhard. J. (2007). **Educational Differences, Value of Children and Fertility Outcomes in Germany,** *Current Anthropology*, 55(4): 505-525.
- Kohler. Hans-Peter (2001). *Fertility and Social Interactions: An Economic Perspective.* Oxford: **Oxford University Press.**
- Kohler. Hans-Peter. Behrman. Jere R. . and Watkins. Susan C. (2001). **The Structure of Social Networks and Fertility Decisions: Evidence from South Nyanza District Kenya.** *Demography*, 38: 43–58.
- Lee, A. Lillard and Willis, Robert J. (1997). **Motives for Intergenerational Transfers: Evidence from Malaysia.** *Demography*, 34: 115-134.
- Lehrer, Evelyn, Grossbard-Shechtman , Sh. & Leasure. J. William (1996). **Comment on . A Theory of the Value of Children,** *Demography*. 33(1), 133-136.
- Lévi-Strauss. Claude (1993). **Die elementaren Strukturen der Verwandtschaft.** Frankfurt/Main: Suhrkamp.
- Mayer, B. . Trommsdorff, G. (2010) . **Adolescents , Value of Chidren and Their Intentions to Have Chidren: A Cross- Cultural and Multilevel Analysis,** *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 41(5-6): 671_689.
- Montgomery, Mark R. and Casterline, John B. (1996). **Social Learning, Social Influence, nd New Models of Fertility.** *Population and Development Review*, 22: S151–S175.
- Nauck, Bernhard (2005). *The Changing Value of Children - A Special Action Theory of Fertility Behavior and Intergenerational Relationships in Cross-Cultural Comparison.* In: Friedlmeier, Wolfgang, Chakkarath, Pradeep, and Schwarz, Beate (eds.) *Culture and Human Development. The Importance of Cross-Cultural Research to the Social Sciences.* Hove and New York: Psychology Press: 183-202.
- Nauck, Bernhard (2007). **Value of Children and the Framing of Fertility: Results from a Cross-Cultural Comparative Survey in 10 Societies.** *European Sociological Review*, 23, 5: 615-629.
- Philipov,. Dimiter. Spéder. Zsolt. and Billari, Francesco C. (2006). . *Soon, Later or Ever? The Impact of Anomie and Social Capital on Fertility Intentions in Bulgaria* (2002) and Hungary (2001). ” *Population Studies*, 60: 289-308.
- Saklofske. D. H. , Yackulic, R. A. , & Kelly, L. W. (1988). **Personality and loneliness. Personality and Individual Differences,** 7, 899-901.
- Schoen, Robert and Tufis, Paula (2003) **Precursors of Nonmarital Fertility in the United States.** *Journal of Marriage and the Family*, 65: 1030–1040.
- Schoen, Robert, Kim, Young J. , Nathanson, Constance A. , Fields, Jason, and Aston, Nan Marie (1997). **Why Do Americans Want Children?** *Population and Development Review*, 23: 333-358.
- Solomon, M. (2000), **Consumer Behavior an European Perspective,** Prentice Hall.

- Suckow, J. , Klaus, D. (2002) Value of Children in Six Cultures. In: Nauck, B. & Suckow, J. (Ed.): Soziale Netzwerke und Generation.
- Sullivan, H. S. (1953). The interpersonal theory of psychiatry. New York: Norton.
- Weiss, RS (1973), Loneliness: **The experience of emotional and social isolation.** Cambridge, MA: MIT Press.